

روي خط حامل:

برزخ موسيقي ايران
صفحه هفتم

آشنایی با اساتید موسيقي
فلامنکوي جهان :



ال پله

وي سنت آمیگو و ال پله در میزگرد مطبوعاتی :

خیلی وقتها اجرا صحیح است اما احساس نیست!



صفحه چهارم

ماهنامه ایران فلامنکو
اولین ماهنامه تخصصی هنر
فلامنکو در ایران
مدیر مسئول :

فرشاد عابدینی سپهر
همکاران این شماره : حسین
بیضاوی، مهدی صارمی ،
مینا فتحعلی خانی ، دانا
رئیزی ، شهروز دادفر ،
علی مقدم ، حسین لحمی و
امیر مفاخر

در این شماره میخوانید:

- نت اول..... مدرنیته
 - نیم نگاه..... فلامنکو و جامعه
 - گفتگو وي سنت امیگو و ال پله
 - آشنایی با بزرگان موسيقي فلامنکو در جهان ال پله
 - پرچین تورماخیا
 - روي خط حامل.....برزخ موسيقي ايران
- مطالب مندرج در این ماهنامه لزوما دیدگاه تمامی اعضاي ان نمیشد

نت اول:

مدرنیت

فرشاد عابدینی سپهر

مدرنیت این سوگلی قرن دستاورد عقلانی بشر که از خود بشر پیشی گرفته است ، بشری که هنوز در درگیری قدرت و به دور از چشمان عادل و پرمغز در حال تهمت زدن و توهین و افترا است تا شاید بتواند یکی را که در رقابت با خود میبندد از میان بردارد و به حاشیه براند تا شاید بدون توجه به مدرنیت عقلانی ، همچون انسانی قرون وسطایی با تمام مدرنیت در ظاهر و آرایشش ، مدرنیت عقلانی خویش را بازیچه توجیهاتی ، توجیه نشدنی بیازماید و این شاید بشر امروز است که در هنر از هنر پیشرفته مدرن ، مدرنتر به نظر میرسد و در انسان بودن مدرن ، در قرونی سیر میکند که هنوز گویی بویی از قرنهاي امروزی نبرده است .

همواره آنچه در تاریخ بشری بر انسان اثبات گردید ان بود که هنر پیشرو و اوانگارد از انسانهای پیرامونش سریعتر رشد کرده است و حتی خالقان هنر نو از آنچه خلق میکنند چه بسا بسیار عقبتر مانده و ذهنیتشان از مخلوقشان بسیار عقب تر است .

انسان مدرن چگونه انسانی است ؟ این سوالی است که باد هر شخص به ان بدون غرض ورزی پاسخ دهد ؟

سیطره جهان پیچ در پیچ سوم و تھی مغزی های بی سامان و هرز اندیشان بزرگ اندیش و سایه هایی که قول داده اند هیچگاه از سر این سرزمینهای درگیر مسائل کوچک ، بزرگ پنداشت شده ، برنارند و این حکایت میان انسانهایی است که خود بر جبر تاریخ سرزمینشان یا به انسانهای مستبد تبدیل شده اند و یا راهکاری جز گوشه نشینی و رنج در پیش نبرده اند و سوال بزرگ این است ؟ در اینجا چه هنری توان رشد می یابد و جرات ظهور می یابد ؟ در جایی که همه افکار مردمش حقیر شده و تحقیر شده اند ؟ و در بازی کلاف بی سر و ته زندگی گرفتار و در درگیری هایی که هیچ نمیدانند مقصر کیست و تهمت نهایتش کجاست ؟ و ایا در اینجا و در اوج سنتیسم و توتالیتر مردمی (مردمان توتالیزه شده) میتواند از مدرنیت و هنرمدرنیت سخنی به میان آورد؟

در اینجا دو دیدگاه مطرح میشود اولی پاسخی منفی در پی دارد و دومی راه را در گروی هر زمانی میداند که شما بر این قطار مدرنیت سوار شوید؟! هر ایستگاهی که میخواهد باشد ، مهم ان است که سوار شوید . اما ایا ما خواسته ایم بر این قطار پر سرعت سوار شویم ؟ ایا تنها خرید بلیط کافی بوده است ؟ همان ظاهر مدرن شده و درون توتالیزه شده و مستبد ، با يك دنیا نفرت از بشر؟! مسلمان نه ؟ اگر تصور کنیم ، هنر مدرن ، زندگی مدرن میخواهد به بیراهه رفته ایم ، و مانند امروز مان با اتوموبیلهاي لوکس از چراغ قرمز رد شده ایم ، و در همان حال فرزندانمان را به قانون گرایی تشویق کرده ایم !!

انسان مدرن ، هنر مدرن ، نیازی به ظاهر مدرن ندارد ، نیاز به افکار مدرن دارد ، و ظاهر مدرن در عرض ان پیشروی میکند ، و اما انسان مدرن و افکار يك انسان مدرن ، ...

آنچه خود باید کشف کنیم . انسان مدرن ... يك شرافتمندی کامل

نیم نگاه:

فلامنکو و جامعه

دانا رئیسی

سعی میکنم اینبار به يك موضوع بسیار مهم اشاره کنم ، به دلیل آنکه روند پیشرفت هر موسیقي به نوع رفتارهاي اجتماعي مردم با آن نوع موسیقي و تحولات اجتماعي و نگرشهاي کلي در آن موسیقي تاثیر دارد و باعث پیشرفت یا از بین رفتن آن نوع موسیقي میشود ، متأسفانه وقتی درمورد موسیقي فلامنکو در جامعه ایران صحبت میکنیم تنها منظورمان در تهران و چند شهر دیگر است که در مورد موسیقي فلامنکو باید تنها به سه شهر عمده در ایران اشاره کرد و آنها به نظر من : تهران ، مشهد و رشت هستند و در مابقي شهر ها نه به درستي این موسیقي را میشناسند (مگر از طریق سایت ایران فلامنکو) مقداري با این سبک آشنا شده باشند و نه استادي در این زمینه در این شهر ها وجود دارد .

همه اینها به کناري فهم و به مسئله دیگری هم اشاره کنیم که در شهرهاي مانند سه شهر فوق من بارها دیده ام کسانی را که گیتار میزدند اما تصوري درست از موسیقي فلامنکو نداشتند ، از طرف دیگر بسیار از مردم در تمام کشور موسیقي اسپانیایی را با برخي از موسیقي هايی که در آن از ریتم رومبا و گیتار تواما استفاده میشود اشتباه میگیرند و شاید همین علت است که بسیاری وقتی به کنسرت موسیقي فلامنکو میایند دست از پا درازتر برمیگردند و حتی دیده شده بیرون درب سالن اجرا میگویند اینکه موسیقي اسپانیایی نبود ، تعداد اندک نوازندگان ، شاگردانشان و اهالی دیگر نزدیک به موسیقي فلامنکو شاید تنها کسانی هستند که به خوبی در جامعه ایران موسیقي فلامنکو را میشناسند و متأسفانه این روند بسیار خطرناک است زیرا که ممکن است زیر مجموعه موسیقي فلامنکو با این روند ، و با باز شدن موسیقي هاي مختلف و انواع آن از تعداد مخاطبینش کم شود و در نهایت به کنج عزلتي بخلطد که کسی از آن راضي نباشد ، متأسفانه دو رکن

بزرگ موسیقي فلامنکو یعنی رقص و آواز که از قضا برای مردم عادي بسیار جالب و تحسین برانگیز است در موسیقي فلامنکو ایران وجود ندارد و این باعث شده است که مردم عادي کمی از این موسیقي فاصله بگیرند چون درك موسیقي فلامنکو برای مردم دور از موسیقي کمی دشوار است . در هر حال اگر راهکارهايی مناسب برای معرفی موسیقي فلامنکو در جامعه رخ دهد شاید در آینده شاهد استقبال بیشتری در موسیقي فلامنکو در ایران باشیم .

آشنایی با اساتید فلامنکو در جهان

ال پله

به دلیل ، همزمانی اثر وي سنت آمیگو و ال پله ، بد ندیسم که اینبار به معرفی کوتاه این خواننده موسیقي فلامنکو بپردازم:

مانوئل مورنو مایا ، خواننده شهیر موسیقي فلامنکو متولد سال 1954 در شهر کوردوبا در جنوب کشور اسپانیا میباشد . خانواده وي همگی از کولیان کشور اسپانیا میباشند و کار و کسب اصلي آنان نیز هنر موسیقي فلامنکو بوده است



مانوئل در سال 1983 به عنوان بهترین خواننده دو دستگاه بولریاس و سولتارس در فستیوال شهر کوردوبا برگزیده شد و جایزه ویژه دریافت کرد

گفتگو ...

وي سنت آمیگو و ال پله

انچه در زیر می خوانید آخرین گفتگوی وي سنت آمیگو و ال پله در يك ميزگرد مطبوعاتي است که به مناسبت اخيرين اثر وي سنت امیگو انجام گرفته است:

ايا براي ضبط يك البوم موسيقي فلامنکو استفاده از خواننده فلامنکو الزامي است؟

وي سنت: دیر يا زود همه علاقمندان به موسيقي فلامنکو اعتقاد پیدا میکنند که وجود يك خواننده فلامنکو به يك البوم زیبایی خاصی میدهد، صدای خواننده فلامنکو و ساز گیتار هارموني خارق العاده و دلنشین ایجاد میکند من همیشه تحت تاثیر صدای خوانندگان فلامنکو قرار میگیرم و سعی میکنم با این اشخاص همراهی کنم.

نظر شما درباره افرادی که با شما در يك اثر همراهی میکنند چیست؟

وي سنت: ما با یکدیگر به مدت طولانی و مستمر تمرین میکنیم و به مسافرتها دور و نزدیک میرویم و این مسافرتها باعث میشود که ما با یکدیگر خیلی صمیمی بشویم و حالت يك خانواده را پیدا کنیم.

ايا هارموني صحيح گيتار و صدا باعث میشود در يك اثر هماهنگي خوبي به وجود آید؟

وي سنت: با عرض معذرت! خیلی وقتها اجرا و هارموني صحيح است اما احساس در يك اثر موجود نیست

منظورتان از احساس چیست؟

وي سنت: گاهی اوقات يك خیاط براي شما يك كت و شلوار گران قیمت درست میکند اما ممکن است این كت و شلوار نسبت به تن شما نامناسب (در متن اوزگلي) باشد

توصیه شما براي همکاری صحيح با يك خواننده چیست؟

وي سنت: همانطور که عرض کردم مثل يك خیاط خوب باید پارچه و دوخت ان با دقت انجام شود، من به صدای خواننده گوش میکنم، کلمات خواننده را براي خودم تکرار میکنم و بعد سعی میکنم هارموني بسازم که به صدای خواننده بخورد و در ضمن اصول دستگاه را هم داشته باشد و رعایت کند.

نظر شما درباره همکاری با وي سنت چیست؟

ال پله: من صدا و کلمات خود را در اختیار وي سنت میگذارم و بقي کارها را خود او انجام میدهد! به نظر شما آثار وي سنت احساس قوي فلامنکو را دارند؟

ال پله: من به وي سنت اعتماد کامل دارم، چون این شخص علم هارموني را خوب میداند و اصول دستگاههاي فلامنکو را رعایت میکند.

منظور ال پله از اصول دستگاه چیست؟

وي سنت: دستگاههاي موسيقي فلامنکو از قبیل بولریاس، سگریاس، سولتارس... هر کدام دارای قوانین و قواعد خاصی هستند، از جمله ضرب دستگاهها که معمولا دوازده تایی است و هر دستگاه براي خودش دارای مقدمه، شرح و نتیجه است مانند نگارش يك انشا نوازنده خوب ابتدا شروع به نواختن میکند تا به خواننده ضرب و صدای گیتار خود را معرفی کند، و وقتی خواننده شروع میکند، نوازنده همکاری ادامه میدهد و وقتی خواننده قطعه را به اتمام رساند نوازنده هم همزمان و بلافاصله قطعه را به پایان میبرد مهمترین کار همکاری صحيح و خواننده است.

ادامه دارد...

برزخ موسيقي ايران

انچه در زير ميآيد دربرگيرنده نظرات و آراي گروه تحقيق و پژوهش سايت ايران فلامنكو است:

وقتي در موسيقي ايران به دقت كنكاش ميكنيم و يك سبك را به طور نمونه انتخاب ميكنيم و به نقد آن ميپردازيم ، موارد دي به دست ميآيد كه با جمع بندي و نقد ديگر سبكهآ نيز همان نتايج حاصل ميگردد : ضعف ساختار مديريتي ، نبود ارگاهاي حمايت كننده ، ضعف ساختار اقتصادي ايران و سايه آن بر موسيقي ، نبود انسجام در لايه هاي هنرمندي ايران ، ... تماما در ساختارهاي موسيقي ايران و در تمام سبكهآي آن حكم فرماست ، در اين ميان بزرگترين ضربه موسيقي امروز ايران در عدم مديريت و انسجام لايه هاي هنري ايران قابل مشاهده است ، ...

روند رو به رشد موسيقي ايران از سال 1376 ، موسيقي ايران را به برزخي برد كه همچنان در آن برزخ گرفتار است ، برزخي كه راه را از سويي بر هنرمندان بست و از سويي باز كرد ، برزخي كه سطح موسيقي را از سويي به قهقرا برد و از سوي ديگر بدان كمپي پيشرفت داد . سياستهاي كلان مركز موسيقي براي اينده شايد از يك سو و نبود امكانات اقتصادي كه در واقع يك پاي هميشگي پيشرفت در جوامع هنري و به خصوص هنرهايي است كه نياز به حمايتهاي دولتي دارند باعث شد همچنان موسيقي در نوعي برزخ گرفتار آيد . بسياري بر اين عقيده اند كه جز ساختار شكني كلي در جامعه ايران و بررسي دوباره راهكارهاي پيشرفت و فرايند سازندگي مجدد و زير بنايي راهي ديگر براي پيشرفت موسيقي در ايران امكان ندارد .

عده اي نيز بر اين باورند با اصلاح نظام ساختار مديريتي موسيقي و ادامه روند فعلي راهي باز خواهد گشت كه كساني كه تن به ساختارهاي جديد ميدهند ساختارهاي

جديد را قبول كنند و بدان تن دهند .

درباره نظريه دوم بسياري از نزديكان به ساختار موسيقي ايران بر اين اعتقادند ساختار موسيقي ايران با اين شيوه رو به رشد تنها باعث خواهد شد كه سود جويان راه موسيقي و سرنوشت آن را به نفع خود تغيير دهند و باعث گردند موسيقي سر از جايي در بياورد كه آنان بدنبال آن هدف و مقصد ميگردند .

منتقدان نظريه اول نيز بر اين اعتقادند تا زماني كه انسجام كافي در بين گروههاي هنرمند ايران شكل نگيرد و وضعيت اقتصادي و مديريتي موسيقي به شكل جدي در ساستهاي كلان حل نگردد به هيچ وجه موسيقي ايران قادر به تغيير روش و روند رو به رشد نخواهد بود و همچنان شاهد برزخي بودن موسيقي ايران در تمام اشكال و ساختار آن خواهيم بود.

انچه مسلم است همه نظريه پردازان موسيقي ايران و منتقدان موسيقي در تمام حالات و حتي خوش بينانه ترين حالت در ايران معتقدند ساختار كنوني در شرايطي كه همين مسير را بدون روند اصلاحي طي نكند وضعيت اسفناك در موسيقي ايران اتفاق خواهد افتاد ، حتي موسيقي سنتي و ملي و مقامي ايران به عنوان يك هنر ملي و ايراني از كمبودها رنج ميبرد و بسياري معتقدند هنگامي كه يك هنر ملي در ايران حمايت نيمگردد چگونه ميتوان توقع داشت موسيقي هاي ديگر و در تعاريف غربي آن مورد حمايت باشند ؟

در هر حال اينده يك كشور نمايانگر اينده هنر آن كشور خواهد بود و بايد ديد در اينده ايا موسيقي ايران دچار يك ساختار شكني كلي ميگردد و يا با يك تغيير اصلاحي با روند كنوني خود ادامه خواهد داد.

با تشكر از اساتيدي كه در ارائه آرا و نظراتشان در اين باره ما را ياري نمودند .

پرچین :

معرفی آلبوم فلامنکو

تورماخیا : اثر مانوئل سن لوکار



این البوم که توسط مانوئل سن لوکار اجرا شده است یکی از پر احساس ترین آثار فلامنکو میباشد که تا کنون ضبط شده است ، تورماخیا به معنی گاوبازی در زبان اسپانیایی میباشد و این البوم انتقادی است به برگزاری این مراسم در کشور اسپانیا این البوم شامل نه قطعه در دستگاههای مختلف میباشد که هر یک دارای احساس و عمق بسیار زیبا میباشد :

- 1.Nacencia
- 2.Maletilla
- 3.Oracion
- 4.Maestranza
- 5.De capote
- 6.Tercio de vara
- 7.Banderillas
- 8...De muleta
- 9.Puerta del principe.